



بازتاب نهاد «معامله اتهام» در سینمای جنایی امریکا

سعدي ابراهيم زاده^۱

تهمورث بشيريه^۲

چکیده

بعضی از فیلم‌های سینمایی ممکن است حاوی آموزه‌های حقوقی برای شهروندان و آگاهی‌های حقوقی برای پژوهشگران دانش حقوق باشند. از جمله موضوعاتی که در برخی فیلم‌های سینمایی آمریکایی در ژانر حقوقی - جنایی ملاحظه می‌شود «معامله اتهام» است؛ نهادی در فرایند دادرسی کیفری که ابتدا در حقوق امریکا شکل گرفت و سپس به حقوق بیش‌تر کشورهای دارای نظام کامن‌لا و برخی کشورهای دارای حقوق نوشته راه یافت. بررسی ماهیت، مبانی و فرایند به‌کارگیری نهاد معامله‌اتهام در بستر نظام کامن‌لایي امریکا با یاری‌گرفتن از صحنه‌های بصری منعکس در فیلم‌های سینمایی این کشور، به یک شناخت عینی و جزئی از نقاط ضعف و قوت این نهاد منتج می‌گردد. مشاهده و تحلیل موردی فیلم‌های «چند مرد خوب»، «وکیل لینکلن سوار» و «قاضی» نشان می‌دهد که معامله‌اتهام، توافقی شبیه به یک قرارداد میان مقام تعقیب به نمایندگی از دولت و وکیل مدافع به نمایندگی از متهم است که به‌موجب آن، پذیرش مجرمیت از جانب متهم در ازای برخورداری او از مجازات مساعدتر مبادله می‌شود. از جمله بنیان‌های شکل‌گیری معامله‌اتهام ریشه در «توان اثباتی ادله» در دعاوی کیفری و «صرفه اقتصادی» دارد. جایگاه معامله‌اتهام در فرایند دادرسی کیفری پس از انجام تحقیقات و تفهیم اتهام و پیش از آغاز محاکمه است. ارزیابی مزایا و معایب این نهاد و به‌کارگیری مدل بومی شده آن در حقوق ایران، با نظر به وجود نهادهای مشابهی مانند «تعلیق تعقیب» و «همکاری متهم با مرجع قضایی در ازای تخفیف مجازات»، می‌تواند مورد توجه دکتربین حقوق کیفری و قانون‌گذار قرار گیرد.

۱. نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

(saadiebrahimzadeh.1995@gmail.com)

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی: (tahmoorees_b@yahoo.com)

کلید واژگان: معامله اتهام، قبول مجرمیت، دادستانی، تعلیق تعقیب.

مقدمه

در میان فیلم‌های متنوعی که هر سال در کشورهای مختلف ساخته می‌شوند، شماری از آن‌ها در ژانر حقوقی به تشریح یک داستان با درون‌مایه مسایل حقوقی می‌پردازند. برخی از این فیلم‌ها در ارتباط با یک شخصیت حقوقی تأثیرگذار، برخی دیگر به دنبال به چالش کشیدن یک نهاد حقوقی، دسته دیگر اقتباسی از یک پرونده واقعی و گروه چهارم، فیلم‌هایی هستند که براساس داستان‌های ذهنی فیلم‌نامه‌نویس با پس‌زمینه حقوقی نگاشته شده‌اند. گفتمان دیدن فیلم‌های حقوقی علاوه بر این که به افزایش آگاهی‌های حقوقی شهروندان و آشنایی آن‌ها با معضلات حقوقی-اجتماعی می‌انجامد، می‌تواند برای پژوهشگران حوزه دانش حقوق نیز ثمربخش باشد. اهمیت این موضوع به‌ویژه در ارتباط با فیلم‌های برون‌مرزی بیش‌تر است؛ زیرا همان‌گونه که دغدغه آشنایی با حقوق خارجی از یک سو، تدوین درس‌هایی مانند متون حقوقی و حقوق تطبیقی در برنامه درسی دانشکده‌های حقوق را ایجاد نموده و از سوی دیگر تهیه رساله‌هایی با جنبه‌های تطبیقی در مراحل تحصیلات تکمیلی را به دنبال داشته، مشاهده فیلم‌های حقوقی نیز بسا که راهی برای آشنایی نسبی با نظام، ادبیات و فرهنگ حقوقی کشور سازنده اثر باشد.

یکی از موضوعاتی که در اغلب فیلم‌های حقوقی آمریکایی با داستان‌های جنایی مورد اشاره قرار می‌گیرد نهاد معامله اتهام است. از جمله دلایل توجه به این «نهاد حقوقی» در یک «محصول فرهنگی» شکل‌گیری اولیه این نهاد در حقوق آمریکا، سازگاری آن با نظام کامن‌لایی که بیش‌تر متأثر از آموزه‌های «نظام دادرسی اتهامی» است، رایج بودن به‌کارگیری این نهاد در فرایند دادرسی کیفری و آشکار ساختن معایب و محاسن آن برای شهروندان است. در روشی متقابل نسبت به این رویکرد، بررسی جنبه‌های حقوقی فیلم‌های سینمایی

می‌تواند به رهیافتی جهت شناخت عمیق‌تر و ملموس‌تر از ماهیت نهاد معامله‌اتهام، علل پذیرش آن در ساختار حقوقی امریکا و چگونگی به‌کارگیری آن در نظام دادرسی امریکا منجر شود تا آن‌گاه امکان تعمیم چنین نهادی به حقوق بومی مورد ارزیابی و واکاوی قرار گیرد. در میان فیلم‌های حقوقی امریکا با داستان جنایی، سه فیلم «چند مرد خوب» محصول ۱۹۹۲، «وکیل لینکلن سوار» محصول ۲۰۱۱ و «قاضی» محصول ۲۰۱۴ که صریح‌تر به موضوع معامله‌اتهام می‌پردازند، معیار بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما در هر مورد که داستان فیلمی به مناسبت، ارتباط با موضوع داشته باشد، به‌عنوان شاهد مثال آورده می‌شود. «چند مرد خوب» به داستان محاکمه دو سرباز نیروی دریایی ایالات متحده می‌پردازد که در نتیجه اجرای فرمان انضباطی مقام بالاترشان در کوبا، مرتکب قتل سرباز دیگری گردیده‌اند، «وکیل لینکلن سوار» به داستان وکالت یک وکیل در پرونده متهمی می‌پردازد که مظنون به حمله بوده؛ در حالی که ادعا می‌کند قربانی یک پوشش قرار گرفته است و «قاضی» به داستان محاکمه یک دادرس با سابقه می‌پردازد که مظنون به ارتکاب قتل حین رانندگی است؛ در حالی که مقتول شخصی است که آن قاضی، سال‌ها پیش در پرونده کیفری او حکم مجازات سنگینی صادر کرده است. با نگاه به فیلم‌های اخیر ابتدا به تبیین ماهیت نهاد معامله‌اتهام پرداخته، سپس به تحلیل مبانی شکل‌گیری آن مبادرت ورزیده و نهایتاً جایگاه نهاد مزبور در روند دادرسی کیفری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. تبیین ماهیت معامله‌اتهام

معامله‌اتهام اصطلاحی کاربردی در فرایند دادرسی کیفری است که ابتدا در قرن نوزدهم در نظام حقوقی امریکا شکل گرفت. (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۹۳) اصطلاح مذکور از ترکیب دو واژه «Plea» به معنای «درخواست» و «Bargaining» به معنای «معامله»، «توافق»، «مذاکره» و «چانه‌زنی» تشکیل شده است. (شکرچی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۳۲۱) از ترکیب لفظی این دو کلمه، عبارت «درخواست معامله» ساخته می‌شود؛ اما در حقوق ایران با لحاظ معنای تخصصی اصطلاح، از آن تحت عنوان «معامله‌اتهام» یاد می‌شود.

معنای تخصصی معامله‌اتهام عبارت است از توافق و همکاری میان مقام تعقیب و متهم که به‌موجب آن، مأمور دادستانی در برابر پذیرش مجرمیت توسط متهم، متعهد می‌شود با اغماض، تعقیب کیفری را پی‌گیری نماید. (حیدری، ۱۳۹۵: ص ۴۳) این تساهل، شامل چشم‌پوشی از تعقیب برخی عناوین اتهامی یا تغییر عنوان اتهام به یک عنوان اتهامی سبک‌تر و یا پیشنهاد تخفیف در میزان مجازات متهم می‌گردد. (عالی‌پور و عباسیان، ۱۳۹۴: ص ۷۰۰) معامله در مورد نوع و تعداد عناوین اتهامی را «معامله‌اتهام در معنای خاص» و معامله در

مورد میزان مجازات را «معامله مجازات» می‌گویند. (جانی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۸۲۷) در فرض نخست، دادستان با چشم‌پوشی از برخی از عناوین اتهامی، از تعداد اتهامات قابل پی‌گیری کاسته و یا عنوان اتهامی مورد تعقیب را به‌عنوان اتهامی سبک‌تری تبدیل می‌کند. در حالت دوم، طرفین درباره میزان مجازات با یکدیگر چانه‌زنی می‌کنند و در صورت به دست آمدن توافق، دادستان پیشنهاد مجازات‌های خفیف‌تر را به دادگاه ارائه می‌دهد. (حیدری، ۱۳۹۵: ص ۴۴)

انواع معامله اتهام در فیلم‌ها قابل ملاحظه است. در فیلم «چند مرد خوب» دادستان به وکیل متهمان پیشنهاد می‌دهد در ازای قبول مجرمیت برای ارتکاب قتل، اتهام «توطئه» را کنار بگذارد، در فیلم «قاضی» مقام تعقیب به وکیل متهم پیشنهاد معامله اتهام برای پذیرش قتل غیرعمد را می‌دهد و زمانی که باره این پیشنهاد از جانب وکیل مواجه می‌شود، بیان می‌کند که قصد طرح اتهام قتل عمد را دارد و در فیلم «وکیل لینکلن سوار» دادستان پیشنهاد می‌دهد مجازات بیست سال حبس برای متهم به ارتکاب حمله و تجاوز را در ازای پذیرش مجرمیت از سوی او به هفت سال حبس تقلیل بدهد.

پیش‌شرط تحقق معامله اتهام، ارائه پیشنهاد از سوی دادستان است و در این زمینه محدودیتی در ارتباط با نوع جرم ارتکاب یافته وجود ندارد؛ چنان‌که پیشنهاد معامله در فیلم‌های «چند مرد خوب» و «قاضی» ناظر به بزه قتل و در فیلم «وکیل لینکلن سوار» ناظر به جرم تجاوز جنسی است. با این حال دادستان ملزم به ارائه پیشنهاد به همه متهمان نیست و ممکن است در تعقیب برخی جرایم ملی، در احترام به قربانی یا در نظر گرفتن احساسات عمومی، تمایل به طرح معامله اتهام وجود نداشته باشد. (عالی‌پور و عباسیان، ۱۳۹۴: ص ۷۰۴)؛ چنان‌که دادستان پیشنهاد معامله اتهام را در فیلم «محاکمه اکسیس سالی» محصول ۲۰۲۱ نسبت به متهم خیانت به کشور و در فیلم «محاکمه هفت شیکاگویی» نسبت به متهمان به تحریک جهت شورش طرح نمی‌کند.

پیشنهاد طرح‌شده توسط دادستان، نیاز به قبول متهم دارد و نقش مشورتی وکیل مدافع متهم در این مورد دارای اهمیت است. وکلای مدافع در فیلم‌های «چند مرد خوب» و «وکیل لینکلن سوار» متهمان را به پذیرش معامله ترغیب می‌کند؛ درحالی‌که در فیلم «قاضی» وکیل متهم اصرار به رد درخواست دارد. پذیرش یا رد درخواست به عواملی هم‌چون بی‌گناهی متهم، قدرت اثباتی ادله و توانایی وکیل متهم بستگی دارد که به ترتیب در فیلم‌های «چند مرد خوب»، «وکیل لینکلن سوار» و «قاضی» ملاحظه می‌شود.

۲. مبانی پذیرش معامله اِتهام

بسته به نگاه‌ها و رویکردهای مختلف می‌توان مبانی متعدد و متنوعی را برای نهاد معامله اِتهام در نظر گرفت. تسریع در فرایند رسیدگی، پیشگیری از توژم پرونده‌های کیفری، اقرار و پذیرش جرم و اظهار ندامت از سوی بزهکار، کاهش جمعیت زندانیان، تشقی خاطر قربانیان و شناسایی شرکا و معاونان جرم را از دلایل به‌کارگیری معامله اِتهام در نظام‌های دادرسی برشمرده‌اند. (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۹۳) برای نمونه در فیلم «وکیل لینکلن سوار» وکیل متهم به مصرف کوکائین با مقام تعقیب معامله می‌کند تا در ازای معرفی مکان اقامت یک قاچاقچی مواد مخدر فراری، دادستانی از اتهامات متهم صرف نظر نموده و او را به کمپ ترک مواد بفرستد.

به‌زعم برخی اندیشمندان، معامله اِتهام، منفعت تمام طرفین یک دعوای کیفری یعنی متهم، جامعه، دولت و بزه‌دیده را در پی دارد؛ متهم با عنوان مجرمانه یا کیفر سبک‌تر مواجه می‌شود، جامعه تا حدودی نسبت به آمار واقعی بزهکاری آگاه شده و زمینه برای بررسی علل شیوع ارتکاب جرایم فراهم می‌شود، دولت و دادگستری از نظر اقتصادی، سود برده و امکانات خود را صرف جرایم سنگین‌تر خواهند کرد و در صورت مشروط کردن معامله اِتهام به پرداخت زیان‌های بزه‌دیده، او نیز منتفع خواهد شد؛ صرف نظر از این‌که بزه‌دیده باید برای اجرای نهایی عدالت، مدت زمان طولانی را در انتظار به سر برد. (حیدری، ۱۳۹۵: ص ۴۷) با این حال به نظر می‌رسد دلیل مبنایی پذیرش این نهاد در نظام کامن‌لایی امریکا به لحاظ نظری، ریشه در مباحث مربوط به توان اثباتی ادله داشته و به لحاظ عملی، با توجه به نگاه‌های اقتصادی قابل تبیین باشد.

در وضعیت ایده‌ئال، امکان اثبات رفتاری که در عالم ثبوت محقق گردیده، به یاری ادله وجود دارد؛ اما ثبوت و اثبات همواره با یکدیگر ملازمه ندارند و ممکن است امری در عالم ثبوت واقع شده اما اثبات آن ممکن نباشد یا امری در عالم ثبوت محقق نگردیده ولی امکان اثبات آن برخلاف واقع وجود داشته باشد. چنان‌که در فیلم «محاکمه اکسیس سالی» زمانی که شخص متهم به خیانت به ایالات متحده، به وکیل خود می‌گوید که قصد به قتل رساندن معاون هیتلر را داشته تا شرایط تحت اکراه قرار گرفتن خود را ثابت نماید، وکیلش بیان می‌کند که اگر شاهدهی جهت اثبات این واقعه نداشته باشیم مانند آن است که چنین اتفاقی رخ نداده است. هم‌چنین فیلم «ورای یک شک معقول» عدم تلاقی دو عالم ثبوت و اثبات را به خوبی نشان می‌دهد.

توان اثباتی ادله، آن میزان آگاهی است که ادله می‌تواند از عالم ثبوت در اختیار اشخاص ناآگاه از واقعه قرار دهد. نمایاندن کامل واقعه (واقعیت) بر اشخاص ناآگاه را «حقیقت»

گویند که ایجاد علم یقینی می‌کند. (شهبازی، ۱۳۹۷: ص ۱۵۱) با این حال دست‌یابی به یقین در اکثر پرونده‌ها اگر غیرممکن نباشد، دشوار است؛ زیرا از یک سو بزه‌کاران رفتارهای مجرمانه خود را به‌طور پنهانی و با از بین بردن آثار جرم انجام می‌دهند و از سوی دیگر، حتی بهترین ابزارهای علم‌آور مانند چشم انسان و دوربین‌های مداربسته نیز ممکن است خطاپذیر باشند؛ چنان‌که در فیلم «وکیل لینکلن سوار» ملاحظه می‌شود «چاقو» و «رد خون» دو متهم در دو حادثه جداگانه وجود دارد. در حالی‌که متهم یکی از دو حادثه بی‌گناه و متهم حادثه دیگر گناه‌کار است. بدین منظور در اثبات دعاوی کیفری به معیارهایی با درجه پایین‌تر از یقین که در حقوق ما به ملاک «ظن معقول» و در حقوق امریکا به معیار «ورای یک شک معقول» شهرت یافته، قناعت می‌شود. هر دوی این معیارها با اندکی مسامحه بدین معنا هستند که هرچند امکان بالقوه دست‌یابی به دانشی خلاف ادله وجود دارد، اما تا زمانی که نتوان از ادله برداشت معقول دیگری نمود، می‌توان برای ادله موضوعی موجود در پرونده، حجیت قائل شد.

در نظام کامن‌لا برداشت ظنی از ادله جهت صدور رأی مجرمیت یا برائت متهم برعهده هیئت منصفه ناآشنا به مسائل حقوقی است و طرفین پرونده اعم از نماینده دولت در امر تعقیب و وکیل مدافع متهم در امر دفاع این آگاهی را دارند که باوجود به‌کارگیری تمام تلاش و توان‌شان جهت ارائه برداشتی صحیح از ادله در نظر هیئت منصفه، همواره این امکان بالقوه وجود دارد که ادله، توان انعکاس تمام حقیقت را نداشته و یا حتی سبب قلب حقیقت شود؛ چنان‌که در فیلم «منع محاکمه مجدد»، هیئت منصفه بر مبنای ادله موضوعی علیه متهم بی‌گناه، رأی به محکومیت او نسبت به قتل همسرش صادر می‌نمایند.

در چنین وضعیتی توان اثباتی ادله تا انتهای فرایند رسیدگی متزلزل بوده و پیش‌بینی آینده دعاوی کیفری برای طرفین مشکل است؛ به این دلیل که در اکثر قریب به اتفاق دعاوی کیفری، مقام تعقیب مقداری ادله جهت تعقیب متهم دارد؛ زیرا اساساً در صورت نبود ادله، اتهامی متوجه متهم نبود. با این حال معمولاً ادله جمع‌آوری شده توان احتمالی را جهت انتساب بزه واقع‌شده به متهم ندارد؛ زیرا در فرض وجود ادله ایجادکننده یک ظن قوی، تمایلی از سوی دادستان جهت ارائه پیشنهاد به شخص ناقض ارزش‌های اساسی جامعه وجود نداشت. از این‌جاست که طرفین دعوا با ارزیابی ادله یکدیگر که در اکثر پرونده‌ها نه‌چندان ضعیف است که بتوان گفت قابلیت استناد متعارف را ندارد و نه‌چندان قوی است که بتوان تصور نمود توان اثبات حتمی ادعا را دارد، وارد معامله اتهام می‌گردند؛ بدین ترتیب که متهم شانس تبری‌شدن و مقام تعقیب شانس اثبات جرایم سنگین‌تر را تعدیل نموده و در مقابل، متهم به مجازات خفیف‌تر و دادستان به محکومیت دست می‌یابند. (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴) مقام دادستانی در فیلم «وکیل لینکلن سوار» با این تصور که ادله موجود در پرونده، توان

اثبات مجرمیت متهم را ندارد درخواست معامله اتهام را طرح می‌نماید و وکیل مدافع متهمان در فیلم «چند مرد خوب» به تصور این‌که ادله دادستانی توان اثبات مجرمیت موکل‌هایش را دارد، اصرار بر پذیرش معامله اتهام از سوی ایشان می‌نماید.

اشکال اصلی معامله اتهام از همین تحلیل نمایان می‌شود؛ زیرا در مواردی که ادله علیه یک متهم بی‌گناه (اعم از ساختگی یا واقعی) مستعد انتساب بزه ارتكابی به او می‌باشند، امکان پذیرش معامله اتهام، تنها به دلیل فشار روانی و ترس از نتیجه تحمیل یک مجازات سنگین در نتیجه محکومیت با رأی هیئت منصفه وجود دارد (شکرچی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۳۲۴) چنان‌که در فیلم «وکیل لینکلن سوار» شخصی متهم به قتل متعاقب تجاوز شده و از آن‌جایی‌که ادله اثباتی جهت محکومیت او به مجازات اعدام قوی است، به پیشنهاد وکیلش درخواست معامله مبنی بر قبول مجرمیت را پذیرفته و به پانزده سال حبس محکوم می‌گردد؛ در حالی‌که به لحاظ ثبوتی بی‌گناه است.

با این حال به نظر می‌رسد این ایراد، بیش‌تر متوجه خطاپذیری ادله اثباتی است تا معامله اتهام؛ زیرا وکیل مدافع متهم معمولاً برای ورود به معامله اتهام، صرف‌نظر از آن‌چه در عالم ثبوت واقع گردیده، توان اثباتی ادله موجود در پرونده را می‌سنجد و در این فرض، بسا که احتمال قوی مبنی محکومیت یک متهم بی‌گناه یا برائت یک متهم گناهکار وجود داشته باشد؛ چنان‌که متهم اصلی در فیلم‌های «وکیل لینکلن سوار» و «به‌شدت شرور، به طرز تکان‌دهنده‌ای شیطانی و پست» محصول ۲۰۱۹ باوجود ارتكاب بزه در عالم ثبوت، به تصور این‌که ادله علیه ایشان توان اثباتی جهت محکومیت آن‌ها را نخواهد داشت، پیشنهاد هرگونه مذاکره جهت معامله اتهام را رد کرده و اصرار به برگزاری محاکمه جهت اثبات بی‌گناهی خود را می‌کند.

در مقابل، ادله قوی علیه یک متهم بی‌گناه ممکن است به محکومیت او به مجازات‌های گاه سنگین، از قبیل اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت منجر گردد؛ زیرا معمولاً قاضی دادگاه در اعمال مجازات نسبت به متهمی که ادله دادستانی رأی محکومیت هیئت منصفه را برای وی به دنبال داشته؛ در حالی‌که در سراسر فرایند محاکمه ارتكاب جرم را انکار می‌نماید، نظر تساهلی ندارد. (جانی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۸۳) به‌علاوه در مواردی که پیشنهاد دادستانی برای معامله از سوی متهم رد می‌گردد، معمولاً دادستان تصمیم به تعقیب اتهاماتی متعدد با مجازات‌های سنگین و ثابت گرفته و تمام توان خود را جهت اثبات اتهامات به کار می‌گیرد. چنان‌که در فیلم «وکیل لینکلن سوار»، پس از رد معامله اتهام از سوی متهم، مقام دادستانی به‌منظور کسب اطلاعات محرمانه ناظر به وقوع جرم، از اشخاص جاسوس در زندان استفاده می‌کند که به «مخبران زندان» شهرت یافته‌اند و یا در فیلم «چند مرد خوب»، دادستان به

وکیل متهمان بیان می‌دارد که در صورت رد درخواست معامله، پرونده را با اتهامات متعدد و دارای مجازات‌های سنگین تا انتها دنبال خواهد کرد. بدین ترتیب معامله اتهام به‌عنوان راهی برای تعدیل آثار محکومیت یک متهم بی‌گناه، ظاهر می‌شود و چنان‌چه معامله اتهام نبود چنین متهمی پس از محکومیت، با خطر مجازات سنگین‌تر مواجه می‌گردید. (شکرچی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۳۲۵)

برخی از نویسندگان حقوقی حتی با ردّ این انتقاد، معتقدند در معامله اتهام یک فرایند کیفری قانونی نادیده گرفته می‌شود تا به جهت ناتوانی ادله بیرونی در اثبات بزه و اجرای عدالت، از رهگذر آگاهی درونی خود بزهکار به یک عدالت واقعی نزدیک شویم. (عالی‌پور و عباسیان، ۱۳۹۴: ص ۷۰۱) از این منظر، احتمال قبول مجرمیت توسط متهمان بی‌گناه بسیار کم است؛ چنان‌که در فیلم «چند مرد خوب» متهمان به قتل یک سرباز نظامی در کوبا به پیشنهاد دادستان مبنی بر قبول مجرمیت در ازای گذراندن شش ماه حبس پاسخ رد می‌دهند؛ زیرا معتقدند که مرتکب جرمی نگردیده و تنها دستور مقام بالاتر را اجرا کرده‌اند. قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال آمریکا حاوی مقرراتی جهت پیش‌گیری از قبول مجرمیت توسط متهمان بی‌گناه است. از جمله مطابق بند ۳(b) ماده ۱۱، انتساب اتهام به متهم در نتیجه قبول مجرمیت باید منطبق بر موارد موضوعی پرونده باشد. هم‌چنین بند (d)۲(B) ماده ۱۱ به متهم اجازه می‌دهد در بازه زمانی پس از پذیرش قبول مجرمیت او از سوی دادگاه و پیش از تعیین مجازات، با طرح دلایل منصفانه درخواست انصراف از معامله اتهام دهد.

تحلیل فوق در مواردی که دولت دارای یک پرونده قوی علیه متهم است و درخواست معامله اتهام را طرح می‌نماید، کارساز نیست. مبنای توجیهی برای پذیرش معامله اتهام در این موارد، صرفه اقتصادی آن است (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۹۳) فرایند دادرسی کیفری که با انجام تحقیقات و جمع‌آوری ادله آغاز گردیده و تا صدور رأی برائت یا قطعی شدن رأی محکومیت ادامه می‌یابد، یک فرایند طولانی برای بزه‌دیده، همراه با محدودیت‌های تحمیلی برای متهم و نیازمند اختصاص منابع مالی از سوی دولت است. انجام تحقیقات، کارشناسی، آزمایش‌های پزشکی قانونی، ایاب و ذهاب شهود و هیئت منصفه، اداره جلسات دادگاه، تعیین وکلای تسخیری و ... از جمله مواردی است که هزینه مالی به دولت تحمیل می‌نماید. (جانی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۸۲۹)

از این رو مقامات دادستانی که نماینده دولت در تعقیب جرایم هستند ترجیح می‌دهند تا با ارائه پیشنهاد قبول مجرمیت ابتدایی به متهم، از ادامه فرایند زمان‌بر و پرهزینه دادرسی پیش‌گیری نمایند. مطالعات مؤسسه ملی عدالت در سال ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که کنار گذاردن

نهاد معامله‌ اتهام، مسئولیت بیش‌تری را بر دوش نظام عدالت کیفری می‌گذارد؛ بدین ترتیب که پلیس باید تحقیقات دقیق و همه‌جانبه‌ای انجام دهد، مقامات تعقیب و وکلا باید لوایح دقیق‌تری جهت ارائه به دادگاه آماده نمایند و قضات باید وقت بیش‌تری را در دادگاه سپری کنند. (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۵) معامله‌ اتهام به منظور صرفه‌جویی در وقت و هزینه، جایگزین مناسبی برای محاکمه و مجازات متهم است. طبق آمار موجود ۹۵ درصد از پرونده‌های کیفری در ایالات متحده از طریق معامله‌ اتهام خاتمه می‌یابند. (Bibas, 2012: p 150)

انتقاد وارد به این رویکرد آن است که معامله‌ اتهام، حق متهم را جهت برخورداری از یک محاکمه منصفانه نادیده می‌گیرد. مطابق بخشی از اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا: «در تمام تعقیب‌های کیفری، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه بی‌طرف برخوردار خواهد بود.» اهمیت حق برخورداری از دادرسی منصفانه از این حیث است که در فرایند محاکمه، وکلای مدافع تمام تلاش خود را در راستای صدور حکم برائت و مقامات تعقیب تمام توان خود را به منظور صدور حکم محکومیت به کار می‌گیرند. در چنین فضایی، قضات و هیئت منصفه این فرصت را می‌یابند تا با جزئیات موارد موضوعی پرونده و شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی بزه ارتكابی آشنا گردند و بالتبع هیئت منصفه، حکمی نزدیک‌تر به واقع صادر و قضات، مجازاتی عادلانه‌تر تعیین نمایند. در برخی فیلم‌ها دیده می‌شود که ردّ معامله‌ اتهام و ورود به فرایند محاکمه، موضوعات جدیدی را نمایان می‌سازد که دارای اهمیت است. بند (b)(c) ۱۱ از قواعد دادرسی کیفری فدرال، دادگاه را ملزم نموده پیش از قبول مجرمیت متهم، حق برخورداری از محاکمه توسط هیئت منصفه را به او یادآور شود. در فیلم «چند مرد خوب» وکیل متهمان از همان ابتدا بدون توجه به ادله و با انتخاب یک مسیر کم‌دردسر بیان می‌دارد که با قانع کردن دادستانی جهت کنار گذاردن برخی اتهامات، می‌تواند محکومیت متهمان به ۱۲ سال حبس را به دست آورد. متعاقب ردّ این درخواست از سوی متهمان و ورود به مرحله دادرسی، ابتدا تمام ادله علیه متهمان است؛ اما پس از تلاش‌های وکلای مدافع آن‌ها در واکاوی ادله، بررسی صحنه جرم و جرح شهود مشخص می‌شود که اتهام ادعایی متوجه متهمان نیست. در فیلم «قاضی» نیز پس از ردّ معامله‌ اتهام و به جریان افتادن دادرسی، حقایقی در ارتباط با بیماری جسمی و روانی متهم آشکار می‌گردد که تأثیر مستقیم در انتساب بزه ارتكابی نسبت به او دارد. هم‌چنین در فیلم «وکیل لینکلن سوار» پس از ردّ معامله‌ اتهام از سوی متهم و آغاز محاکمه، متهم با یافت شدن ادله جدید در جریان رسیدگی با اتهامات تازه‌ای مواجه می‌شود. باید توجه داشت اگرچه متهمین در هر سه پرونده محکوم شناخته می‌شوند و بسا که پذیرش معامله‌ اتهام از جهاتی سودمندتر یا حداقل دارای نتایج یکسان بود، با این حال فرایند دادرسی منجر به صدور حکمی نزدیک‌تر

به واقع و تعیین مجازاتی متناسب با رفتار صورت گرفته از جانب متهمان گردید.

۳. جایگاه معامله اتهام در فرایند رسیدگی کیفری

روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری در امریکا شامل مراحل تحقیقات، تفهیم اتهام، رسیدگی مقدماتی، دادرسی مقدماتی، دادرسی، صدور حکم، تعیین مجازات و تجدید نظرخواهی می‌گردد. انجام تحقیقات توسط مأموران دادستانی با کمک آژانس‌های تحقیقات جنایی دولتی مانند اداره تحقیقات فدرال، اداره مشروبات الکلی، دخانیات، سلاح‌های گرم و مواد منفجره، اداره مبارزه با مواد مخدر، سرویس مخفی ایالات متحده، تحقیقات امنیت داخلی و ... صورت می‌گیرد. چنانچه مقام تعقیب پس از ارزیابی شواهد و مدارک جمع‌آوری شده نظر به تعقیب متهم داشته باشد، این موضوع را با صدور یک اخطار رسمی به اطلاع او می‌رساند. عمل مزبور را می‌توان با مسامحه معادل «تفهیم اتهام» در حقوق ما دانست. متهم متعاقب آگاهی از اتهام می‌تواند یک وکیل استخدام نموده و یا در صورت عدم تمکن مالی از وکیل مدافع دولتی رایگان یا با حداقل هزینه استفاده کند؛ چنان‌که در فیلم‌های «محاکمه اکسیس سالی» و «به شدت شرور، به طرز تکان‌دهنده‌ای شیطانی و پست» وکیل مدافع دولتی رایگان برای دفاع از حقوق متهم، تعیین می‌شود. در سراسر دعوای کیفری، مقام تعقیب به نمایندگی از وزارت دادگستری و وکیل مدافع به نمایندگی از متهم نقش اصلی را برعهده دارند.

مرحله بعدی، رسیدگی مقدماتی است که نباید با مرحله دادرسی مقدماتی مشتبه شود. در مرحله رسیدگی مقدماتی متهم در جلسه‌ای با حضور قاضی دادگاه، دادستان و وکیل مدافع خود شرکت می‌کند. یکی از تصمیماتی که در این جلسه گرفته می‌شود آن است که متهم تا زمان شروع محاکمه در بازداشت بماند یا آزاد شود. در بسیاری از موارد، قانون به متهم اجازه می‌دهد در صورت داشتن شرایط وثیقه، زمان پیش از شروع محاکمه آزاد باشد. شرایط اعطای وثیقه به مؤلفه‌هایی مانند مدت زمان اقامت و زندگی متهم در حوزه قضایی دادگاه، داشتن خانواده، سوابق کیفری قبلی، در خطر بودن شهود از جمله بزه‌دیده و خطر بالقوه متهم برای جامعه بستگی دارد؛ چنان‌که در فیلم «به شدت شرور، به طرز تکان‌دهنده‌ای شیطانی و پست» برای متهم به ارتکاب قتل، وثیقه صادر نگردیده و متهم بازداشت می‌شود، اما در فیلم «وکیل لینکلن سوار» با وجود اصرار دادستانی بر رد درخواست وثیقه، به دلیل اهمیت جرم ارتكابی و وضعیت مالی مطلوب متهم، قاضی دادگاه با لحاظ فقدان سابقه کیفری برای متهم، مبلغ وثیقه را افزایش داده و متهم را مشروط به پوشیدن پابند الکترونیکی، آزاد می‌نماید. نهایتاً در همین جلسه و یا به ندرت در جلسه دیگری فرایند انتساب اتهام صورت می‌گیرد. مطابق ماده ۱۰ قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال، روند انتساب اتهام شامل آن

بخش از رسیدگی مقدماتی در دادگاه است که قاضی اتهامات را با متهم مطرح نموده و نظر او را نسبت به آن‌ها جویا می‌شود. متهم در برابر هر اتهام، اعلام مجرمیت یا بی‌گناهی خود را مطرح می‌نماید؛ چنان‌که در فیلم «چند مرد خوب»، متعاقب بیان اتهامات از سوی دادستانی، قاضی نظر وکیل مدافع متهمان را راجع به اتهامات جویا شده و وکیل، مجرمیت متهمان را رد می‌کند. هم‌چنین در فیلم «به شدت شرور، به طرز تکان‌دهنده‌ای شیطانی و پست» متهم در برابر طرح اتهامات از سوی قاضی دادگاه، اتهامات را رد نموده و اعلام بی‌گناهی می‌کند. نتیجه عینی و عملی معامله اتهام در این بخش از فرایند دادرسی کیفری خود را نشان می‌دهد. معمولاً تا پیش از این جلسه، طرفین دعوا اطلاعات موجود را جمع‌آوری و بررسی کرده‌اند، دادستان درخواست خود را با وکیل متهم طرح نموده است، متهم در ارتباط با قبول یا رد مجرمیت تصمیم‌گیری کرده است و دادستان متناسب با پاسخ متهم، تعداد و عناوین اتهامات را در نظر گرفته است. بند (c) ماده ۱۱ قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال بیان می‌دارد: «ممکن است وکلای طرفین دعوا (متهم و دولت) تا قبل از جلسه رسیدگی مقدماتی، با یکدیگر مذاکره نموده و به توافقی برسند. حضور دادگاه در این مذاکرات ممنوع است.»

چنان‌چه در پاسخ به پرسش دادگاه، متهم قبول مجرمیت نماید، توافق محقق گردیده و به تأیید دادگاه می‌رسد (بند (A) ۳(C) ۱(c) ماده ۱۱ قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال). تأیید معامله اتهام توسط دادگاه یک فرایند صوری و تشریفاتی نیست. دیوان عالی در سال ۱۹۶۹ مقرر نمود: «دادگاه باید احراز نماید که قبول مجرمیت از سوی متهم و چشم‌پوشی از حق محاکمه، ارادی و آگاهانه صورت گرفته است.» (عالی‌پور و عباسیان، ص: ۷۰۷) اما قبول مجرمیت در نتیجه ترس از مجازات سنگین‌تر، خدشه‌ای به اعتبار معامله وارد نمی‌نماید. در پرونده‌ای در سال ۱۹۷۰ متهمی که در نتیجه معامله اتهام، از مجازات اعدام رهایی یافته و به قتل عمد درجه دو با مجازات تا سی سال حبس محکوم شده بود، متعاقباً به رأی صادره اعتراض نمود؛ با این استدلال که به دلیل ترس از اعدام قبول مجرمیت نموده است. دیوان عالی اعتراض مزبور را نپذیرفت؛ با این استدلال که معامله اتهام با انتخاب آگاهانه و ارادی صورت گرفته است. (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴) نقش قضات در «معامله مجازات» ملموس‌تر است؛ زیرا پیشنهاد تخفیف مجازات برای متهم از سوی دادستان، الزام و تحمیلی برای قضات ایجاد نمی‌نماید. با این حال دادگاه‌ها در عمل تمایل به متابعت از این پیشنهادها دارند (حیدری، ۱۳۹۵: ص ۴۴) بدین ترتیب معامله اتهام در هر دو نوع آن، باید از سوی دادگاه تأیید شود.

چنان‌چه در پاسخ به پرسش دادگاه، متهم قبول مجرمیت نکند، پرونده وارد مرحله دادرسی مقدماتی می‌گردد. در مرحله دادرسی مقدماتی، جلسه رسیدگی علنی در اتاق دادگاه بدون حضور هیئت منصفه و با حضور متهم و وکیل او، نماینده دولت، شهود و قاضی دادگاه

برگزار شده و دادستان ضمن فراخواندن شهود خود، ادله جمع‌آوری شده را ارائه می‌کند. در مقابل، وکیل مدافع متهم نیز می‌تواند شهود دادستانی را به چالش بکشد. نهایتاً چنان‌چه قاضی استنباط کند دلایل محتمل جهت انتساب جرم واقع شده به متهم وجود دارد، یک دادرسی با حضور هیئت منصفه آغاز می‌شود؛ چنان‌که در فیلم‌های «چند مرد خوب»، «قاضی» و «به شدت شرور»، به طرز تکان دهنده‌ای شیطانی و پست»، به دنبال رد اتهامات از سوی متهمان، قاضی رأی به برگزاری محاکمه با حضور هیئت منصفه می‌دهد. با این حال امکان دستیابی به توافق تا پیش از صدور حکم از جانب قاضی یا هیئت منصفه حسب مورد، وجود دارد؛ چنان‌که در فیلم «وکیل لینکلن سوار»، متعاقب آغاز محاکمه و پیش از صدور حکم، دادستان پیشنهاد شش ماه حبس در ازای پذیرش مجرمیت را به وکیل متهم می‌دهد و در فیلم «به شدت شرور»، به طرز تکان دهنده‌ای شیطانی و پست» وکیل مدافع و بستگان متهم در اثنای محاکمه به او پیشنهاد قبول مجرمیت، برای رهایی از مجازات اعدام را می‌دهند که این درخواست از جانب متهمان هر دو پرونده رد می‌شود. بند ۴ (a) قاعده ۴۱۰ از قواعد فدرال ادله مصوب ۱۹۷۳ کنگره، به‌کارگیری ادله‌ای را که در جریان مذاکرات یک معامله اتهام کسب گردیده است، درحالی‌که خود آن معامله اتهام به توافق نهایی منجر نشده است، ممنوع می‌نماید.

نتایج

معامله اتهام به ابتکار حقوق امریکا و در راستای اصل مقتضی بودن تعقیب، در مرحله پیش‌دادرسی بنا نهاده شده تا نه تنها آثار خط‌پذیری ادله را کاهش دهد؛ بلکه اختصاص منابع و امکانات دولت به تعقیب دعاوی عمومی را نیز تعدیل نماید. با این حال نهاد معامله اتهام خود از یک سو امکان بالقوه محکومیت متهمین بی‌گناه را فراهم نموده و از سوی دیگر متهمان را از حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه محروم می‌نماید. به همین دلیل قوانین و رویه قضایی با اجرایی نمودن قواعدی سعی در برطرف نمودن کاستی‌های این نهاد حقوقی نموده‌اند. از جمله این‌که پذیرش معامله اتهام از سوی قاضی دادگاه منوط به تطبیق مجرمیت پذیرفته شده از سوی متهم با موارد موضوعی پرونده گردیده و اسقاط حق برخورداری از محاکمه منصفانه توسط متهم نیز باید از روی آگاهی و اختیار صورت گرفته باشد. برخی از فیلم‌های سینمایی امریکایی ضمن پروراندن داستان‌های جنایی، خواسته یا ناخواسته و به‌طور صریح یا ضمنی تلاش نموده‌اند تا با نشان دادن معامله اتهام به‌عنوان بخشی معمول و رایج از فرایند دادرسی کیفری، اشکالات به‌کارگیری این نهاد در دعاوی کیفری را آشکار ساخته و از طریق آگاهی بخشی به افکار عمومی، سعی در یافتن راه‌حلی برای برطرف نمودن این ایرادات بنماید. بدین ترتیب از رهگذر دیدن این فیلم‌ها می‌توان

به شناختی نسبی از این نهاد، ارزیابی دلایل استفاده از آن و جایگاه به‌کارگیری آن در جریان رسیدگی کیفری دست یافت.

در حقوق کیفری ایران نیز با جست‌وجو در قوانین ماهوی و شکلی می‌توان مواردی از امکان توافق و همکاری میان مقامات قضایی و متهمین را یافت. برای مثال در نهاد توبه موضوع مواد ۱۱۴ به بعد ق.م.ا. در ازای توبه متهم و احراز ندامت و اصلاح او، مجازات حسب مورد ساقط شده یا کاهش می‌یابد و یا به استناد ماده ۴۲۲ ق.آ.د.ک. در محکومیت‌های تعزیری، محکوم‌علیه می‌تواند در ازای اسقاط حق تجدید نظرخواهی یا استرداد درخواست تجدید نظر، مشمول تخفیف در مجازات تعیین شده گردد.

از طرفی مبانی شکل‌گیری نهاد معامله اتهام در حقوق امریکا از قبیل خطاپذیری ادله و مزایای اقتصادی در حقوق کیفری ایران هم قابل طرح است. با این حال تعمیم این نهاد به حقوق ما به شکل موجود آن، ممکن است چالش‌هایی را طرح نماید.

برای نمونه در مقررات دادرسی کیفری ایران، از یک سو مقامات تعقیب (بازپرس، دادیار و دادستان) و مقامات رسیدگی‌کننده (دادرسان) به دعوی کیفری همگی دارای پایه قضایی بوده و در ساختار کلی قوه قضاییه جای می‌گیرند و قضات دادگاه نیز علاوه بر رسیدگی به ادله مورد استناد طرفین دعوا، حق هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد را دارا می‌باشند. از سوی دیگر حق دسترسی متهمان به وکیل و نقش وکیل مدافع در دعوی کیفری، با محدودیت‌هایی مواجه شده است و بدین ترتیب در چارچوب نظام حقوقی موجود، امکان یک تقابل تمام‌عیار میان طرفین دعوی عمومی و بالتبع دست‌یابی به یک توافق متوازن در نتیجه مذاکره و چانه‌زنی با مواعی همراه است.

منابع

۱) فارسی

۱. جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۸)، «معامله اتهام»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، چ دوم، تهران: میزان.
۲. حیدری، الهام (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «معامله اتهام در حقوق کامن‌لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، ش ۱.
۳. روشن قنبری، عطاءالله (فروردین ۱۳۸۹)، «نگاهی به معامله اتهام در حقوق ایالات متحده آمریکا»، ماهنامه کانون سردفتران و دفتر یاران، ش ۱۰۳.
۴. سبحانی، مهین؛ جانی‌پور، مجتبی و حصارپولادی، فاطمه (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، «بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۴.
۵. شایگان، سید علی (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، چ اول، قزوین: طاها.
۶. شکرچی‌زاده، محسن و کیان‌ارثی، نیما و زمانی، مسعود (۱۳۹۷)، «معامله اتهام در نظام کیفری آمریکا: مبانی، چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی.
۷. شهبازی، محمدحسین (زمستان ۱۳۹۷)، درس‌هایی از اصول فقه، چ پنجم، تهران: میزان.
۸. عالی‌پور، حسن و عباسیان، عطیه (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های تعمیم نهاد معامله اتهام به نظام کیفری ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، ش ۲.
۹. مرادی، فرزانه و موسوی مجاب، سید درید و عدالت‌جو، اعظم (۱۳۹۰)، «معامله اتهام در فرایند دادرسی کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره چهارم، ش ۱۴.
۱۰. درست است. آقای «دکتر سید درید موسوی مجاب» استادیار گروه حقوق کیفری دانشگاه تربیت مدرس هستند.
۱۰. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰)، توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری، چ اول، تهران: میزان.

۲) لاتین

1. Alschuler, Albert W. "Implementing the Criminal Defendant's Right to Trial: Alternatives to the Plea Bargaining System", The University of Chicago Law Review, Vol. 50, No. 3, 1983.
2. Alschuler, Albert W. "Plea Bargaining and Its History", Columbia Law Review, Vol. 79, No. 1, 1979.
3. Bibas, Stephanos, "Incompetent Plea Bargaining And Extrajudicial Reforms",

Harvard Law Review, Vol. 126, 2012.

4. Garner, James W. "Criminal Procedure In The United States", The North American Review, Vol. 191, No. 650, 1910.
5. Smith, Douglas A. "Plea Bargaining Controversy, The", Journal of Criminal Law and Criminology, Vol. 77, 1986.

۳) اینترنت

1. www.law.cornell.edu.
2. www.justice.gov.
3. www.uscourts.gov.
4. https://aldf.org.

پی نوشت

1. Legal drama films.

۲. «براساس جنسیت» (On the basis of sex) ۲۰۱۸ که براساس داستان زندگی قاضی «روث بیدر گینزبرگ» ساخته شده، «منع محاکمه مجدد» (Double jeopardy) ۱۹۹۹ که یکی از اشکالات ناشی از اجرای این قاعده را نمایان می‌سازد، «محاکمه هفت شیکاگویی» (The trial of the Chicago 7) ۲۰۲۰ که به داستان محاکمه هشت معترض ادامه جنگ ویتنام در سال ۱۹۶۸ می‌پردازد و «ورای یک شک معقول» (Beyond a reasonable doubt) ۲۰۰۹ که به داستان خبرنگاری می‌پردازد که با تولید ادله اثبات ساختگی، قصد دارد فساد یک دادستان قضایی را برملا سازد، به ترتیب مثال‌هایی برای چهار دسته فیلم‌های حقوقی بیان شده است.

3. A few good men (1992).

۴. (The lincoln lawyer 2011) اصطلاح «لینکل» در این فیلم، نام یک مدل اتومبیل است.

5. The judge (2014).
6. Plea bargaining.
7. Plead guilty.
8. Charge bargain.
9. Sentence bargaining.
10. Conspiracy.